

به یاد سیمین دانشور

سیمین بهبهانی

می‌گویم او ماندگار است. شاید
دیگر چهره‌اش را نبینم؛ اما چهره او
داستان‌های اوست، رمان‌های کوتاه
اوست، ترجمه‌های اوست، محبت
اوست که هرگز از یادم نمی‌رود.

سیمین عزیز ما که یکی از چندین
بزرگان انگشت شمار داستان‌نویسی
ایران بود از میان ما رفت و به
جاودانگان ادبیات ایران و جهان
پیوست. او تنها از آن ایرانیان نبود،
چرا که آثار او به چندین زبان
برگردانده شده بود.





سیمین بهبهانی، سیمین دانشور و برادرش، مجموعه شخصی مسعود منصورزاده

به خود می‌گویم آنان که در زندگی یک دوست واقعی ندارند، آنان که در طول عمر خود یک گام درست برنداشته‌اند، آنان که مردم را می‌آزارند و از خود بیزارند، آیا به راستی . . .

چرا دوستانش برای دفن او در این جا و آن جا این قدر نگران شدند؟ مگر می‌توان گفت که او مُرده است؟ آنچه در خاک جای گرفت به زودی خاک می‌شود و آنچه روزبه‌روز بیش‌تر توان می‌گیرد و می‌درخشد آثار اوست.

کتاب‌های او با شمارگانی باورنکردنی منتشر شده و می‌شود و خواهد شد.

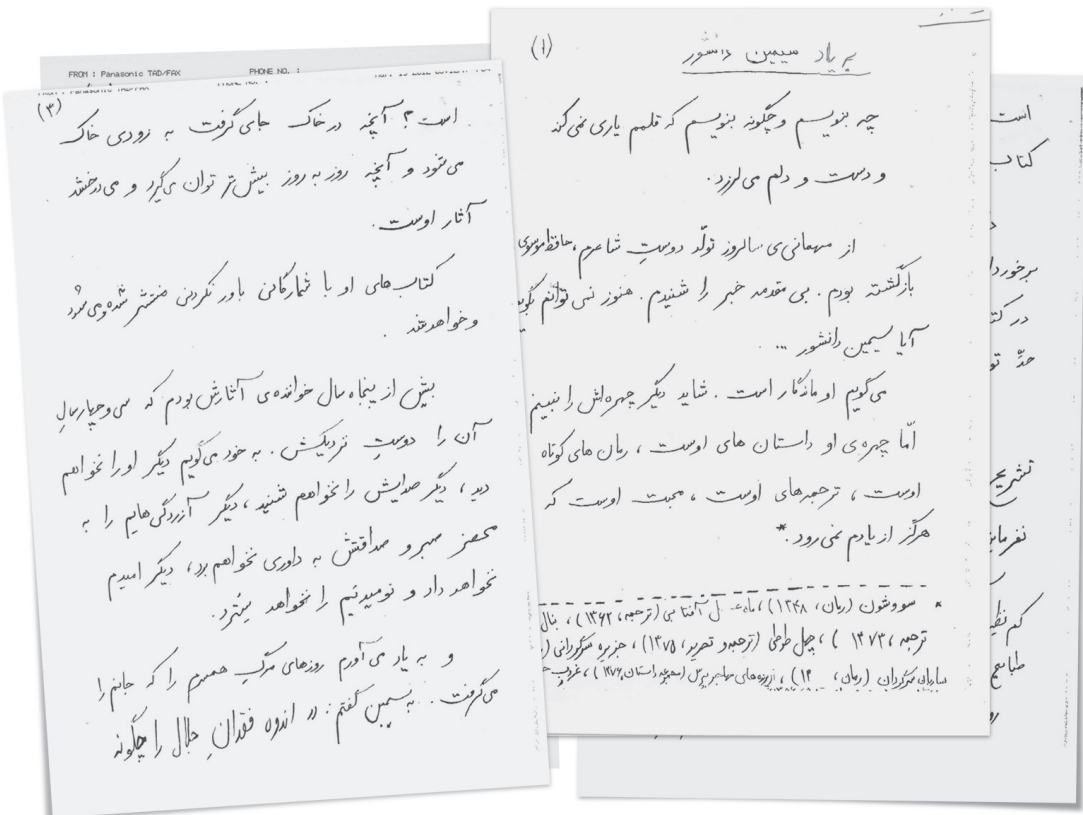
بیش از پنجاه سال خواننده آثارش بودم که سی و چهار سال آن را دوست نزدیکش. به خود می‌گویم دیگر او را نخواهم دید، دیگر صدایش را نخواهم شنید، دیگر آرزوگی‌هایم را به محضر صبر و صداقتش به داوری نخواهم برد، دیگر امیدم نخواهد

چه بنویسم و چگونه بنویسم که قلمم یاری نمی‌کند و دست و دلم می‌لرزد.

از مهمانی‌ی سالروز تولد دوست شاعرم، حافظ موسوی، بازگشته بودم. بی‌مقدمه خبر را شنیدم. هنوز نمی‌توانم بگویم آیا سیمین دانشور . . .

می‌گویم او ماندگار است. شاید دیگر چهره‌اش را نبینم؛ اما چهره او داستان‌های اوست، رمان‌های کوتاه اوست، ترجمه‌های اوست، محبت اوست که هرگز از یادم نمی‌رود.

دوستان سیمین دانشور برای سامان دادن پیکر نازنینش نگرانی‌ها داشتند. چندین پیام تلفنی دریافت کردم و هیچ یک از پیشنهادها اجرا شدنی نبود. سرانجام به خواست خواهر گرامی‌اش --خانم ویکتوریا دانشور-- در کنار دیگر نویسندگان و شاعران و اهل ادب و هنر در قطعه هنرمندان و نام‌آوران بهشت زهرا به خاک سپرده شد.



دستنویس متن سیمین بهبانی به یاد سیمین دانشور، اسفند ۱۳۹۰

به نظر من کشتی که در ساخت وقایع آن نهفته است، خواننده را وامی دارد که تا داستان تمام نشده، کتاب را فرونگذارد. برای من که چنین بود.

داستان‌های کوتاه او نیز بیش و کم از همین خصیصه برخوردار است. در زمان حیاتش، درباره آثارش در کتاب "یاد بعضی نفرات" و بعضی از نشریات در حد خوان خود مطالبی نوشته‌ام، اما کافی نبوده است.

امید است که ناقدان و نویسندگان بزرگ درباره تشریح و توضیح نکات برجسته کار او از کوشش دریغ نفرمایند.

سیمین دلی مهربان، زبانی امیدبخش، طبعی والا و بخشایشی کم نظیر داشت. شادروان نیما در جایی می‌گوید: "هنر والا زاده طبایع والاست." و هنر سیمین چنین بود.

روانش شاد باد.
۲۹/۱۲/۹۰

داد و نو میدیم را نخواهد سترد.

و به یاد می‌آورم روزهای مرگ همسر مرا که جانم را می‌گرفت. به سیمین گفتم: "اندوه فقدان جلال را چگونه فراموش کردی؟"

گفت: "آسان نبود. آسانش کردم. توهم آسانش کن. پیروز شدن سخت است، اما تحمل شکست سخت‌تر."

سیمین عزیز ما که یکی از چندین بزرگان انگشت شمار داستان‌نویسی ایران بود از میان ما رفت و به جاودانگان ادبیات ایران و جهان پیوست. او تنها از آن ایرانیان نبود، چرا که آثار او به چندین زبان برگردانده شده بود.

شاهکار او سووشون است. گفته می‌شود این رمان با بهترین آثار بزرگان ادبیات جهان برابری می‌کند.



پدر، خواهران و برادران، مجموعه شخصی مسعود منصورزاده



مراسم عروسی سیمین دانشور و جلال آل احمد، ۱۳۲۹، مجموعه شخصی مسعود منصورزاده



سیمین دانشور به همراه خواهرش ویکتوریا، مجموعه شخصی مسعود منصورزاده



سیمین دانشور و جلال آل احمد به همراه خواهرش ویکتوریا و پرویز فرجام، مجموعه شخصی مسعود منصورزاده



سیمین دانشور بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳، مجموعه شخصی مسعود منصورزاده



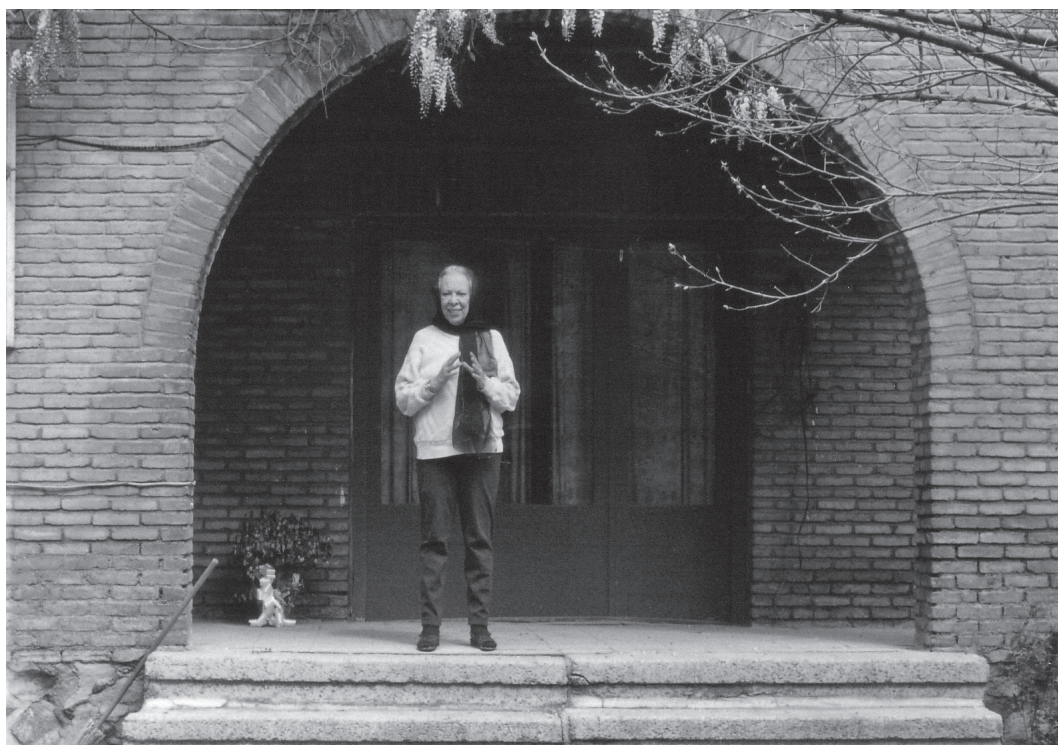
غلامحسین ساعدی و سیمین دانشور، مجموعه شخصی مسعود منصورزاده



جلال آل احمد، سیمین دانشور و بهمن محمص، مجموعه شخصی مسعود منصورزاده



سیمین دانشور در خانه اش، عکس از مهرداد اسکویی، مجموعه شخصی مسعود منصورزاده



سیمین دانشور در حیاط خانه اش در دهه‌ی هفتاد، مجموعه شخصی مسعود منصورزاده